

# شهر آرا مجله

دوباره طرح باز آفرینی محله امام هادی که به تازگی آغاز به کار کرد

## تغییر تدریجی

وقتی به مرور زمان شهرها شکل گرفتند و مناسبات اجتماعی وارد بعد تازه ای شد، مشکلات متعددی هم گریبان انسان شهرنشین را گرفت. با توجه به اینکه شهر موجودی زنده و نیازمند تغییر هر روزه بود مفاهیم جدیدی در شهرسازی و شهرداری تحت عنوان های مختلف بهسازی، نوسازی و... پدید آمد...

برشی کوتاه از تجربه نگاری یک سفر اولی

## اربعین تمام شد و دلیم در نجف ماند...

جزو تیم مستندسازی ثبت لحظه های بی نظیر پیاده روی اربعین بود، می گوید اگر به بهانه کار نبود شاید حالا حالاها قسمت نمی شد پایم را در این سرزمین عجیب و غریب بگذارم. همه اگر رفتند در حال خودشان غرق شوند اورفته تا در حال بقیه غرق باشند...

گزارشی از واحدهای تجاری پُر شمار غیر مجاز در بولوار توس

## برمدارِ تخلف

تغییر کاربری و ساخت و سازهای غیرقانونی در برخی از محلات منطقه ۱۰ به یک رویه معمول تبدیل شده است و اگر کسی در این محله ها خلاف نکند، انگار گناهی بزرگ مرتکب شده است. در یوسفیه، نهضت و مشکینی سودجویی و اراده سازنده ها تعیین کننده تعداد طبقات ساختمان است...



میهمان داران آقا قییم اگر لایق باشیم...

# ایستگاهی به وسعت ایران



shahraranews.ir



درباره طرح بازآفرینی محله امام هادی که به تازگی آغاز به کار کرد

## تغییر تدریجی

### همسایه جهنمی ۴

حرف اول

این قسمت درباره آپارتمان‌های طولی و عرضی

از روزگاری که خانه‌هایی با حمام و روم به دیوار توالت و حیاط و مطبخ و خلاصه

همه چیز مشترک بود و ۱۰

خانوار دور تادور یک حیاط دور هم زندگی می‌کردند و عصرها دور حوض آب جمع می‌شدند و هندوانه می‌خوردند؛ هنوز یک قرن نگذشته است، خانه‌هایی که از لحاظ جمعیت بی‌شبهت به مجتمع‌ها و آپارتمان‌های امروزی نبود اما رشد آپارتمان‌های امروزی را اگر طولی حساب کنیم رشد آپارتمان‌های آن روزها عرضی بود.

از پول شارژ و اجاره‌های سرسام‌آور و مزاحمت‌های عجیب و غریب خبری نبود و آدم‌های آن روزها با شیوه‌ای که فقط خاص خودشان بود به خوبی از گلو می‌گذشتند و آمدند و سال‌ها در کنار هم زندگی می‌کردند. بچه‌هایشان در همان حیاط مشترک با هم بزرگ می‌شدند و میهمانی‌های بزرگشان را با همان مطبخ کوچک و مشترک با گاز سه شعله برگزار می‌کردند. می‌خواهم بگویم شاید فکر کنید خب این روزها مجتمع نشینی و همزیستی با کلی آدم دیگر است که این همه مشکلات جورواجور را برای انسان ماشینی قرن ۲۱ به وجود آورده اما نه جان برادر، مشکل این‌ها نیست. همان موقع ما هم مجتمع‌هایی بود با امکانات خیلی کمتر اما با دل‌های خیلی خوش. همزیستی مسالمت‌آمیز و معاشرت‌های مثبت، همسایه‌ها بعضاً برای هم خواهر و برادر بودند و مشکلات هم را نیز رفع و رجوع می‌کردند...

این روزها اما دیگر از آپارتمان‌های عرضی خبری نیست، در منطقه ما که تا گردنت یاری دهد و بتوانی سرت را بالا بگیری آپارتمان‌های افراشته می‌بینی و گاهی که کمی دورتر می‌شوی و از بالاتر نگاه می‌کنی به این همه قوطی کبریت‌های ایستاده با خودت می‌گویی دل خوش سیری چند؟

ما مجتمع نشین‌ها هنوز هم زیادیم، بیشتر مان تا به حال هیچ وقت در خانه‌های ویلایی زندگی نکرده‌ایم و همیشه به چند نفر آدم دیگر نزدیک بودیم بالاخره، اما اینکه آیا این سال‌ها هم مثل آن روزها دلمان با آن‌ها خوش است سوالی است که انگار همیشه می‌توان برای پاسخ دادن به آن بین کلمات، یادداشت‌ها و مقاله‌ها دست و پا زد. چه شد که از مدل زندگی در میهمان‌ها مان و مستأجران رسیدیم به شکل عجیب و غریب امروزی.

شکل عجیب امروزی که می‌گویم همین است که همسایه روبرویی حتی نمی‌داند ما چند نفریم چه برسد به اینکه بداند بدبختیمان در زندگی چیست؟ چه برسد به اینکه بداند شب‌کی می‌خوابیم و صبح‌کی بیدار می‌شویم که در آن ساعت‌ها حداقل بی‌خیال تلویزیون تماشا کردن با صدای بلند شود. حتی نمی‌داند ما چه آدم‌های و سواسی هستیم تا کارتن‌های اسباب و اثاثیه‌اش را ریز توی پله‌ها و پرودروی اعضا بماند. نمی‌داند کی ممکن است دلمان بگیرد تا بایک کاسه آش خوش‌مزه خوش‌حالمان کند! همین همسایه واحد پایینی اصلاً نمی‌داند ما چقدر کشته مرده‌ش هستیم تا امسال که تا صبح توی حیاط داشتند شله هم می‌زدند و خواب‌را از ما گرفتند یک کاسه شله هم برپیمان بیاورند!

البته ما هم نمی‌دانیم... مثلاً نمی‌دانم همسایه روبرویی وقتی باشوهرش دعوا می‌کند و حال روحی‌اش خراب می‌شود و می‌زند به جاده خاکی ما حواسمان باشد تا دوستش بیاید در راباز کنیم که کار از کار نگذرد. حواسمان نیست که بچه‌های واحد پایینی زودرنج هستند و دوست دارند مدام از قیافه و لباس و لبخندشان تعریف کنیم...

ما هم حواسمان نیست! چون اصلاً دلمان برای آن آپارتمان‌های عرضی و حال‌هوایش تنگ‌نشده است و از این معاشرت‌های به‌ظاهر خوش‌وخرم و در باطن پر از غرض‌ورزی همسایه‌های بالا و پایین‌رو و روبرویی لذت می‌بریم... ■



عاطفه چوپان دبیر شهرآرا محله



وقتی به مرور زمان شهرها شکل گرفتند و مناسبات اجتماعی وارد بعد تازه‌ای شد، مشکلات متعددی هم گریبان انسان شهرنشین را گرفت.

با توجه به اینکه شهر موجودی زنده و نیازمند تغییر هر روزه بود مفاهیم جدیدی در شهرسازی و شهرداری تحت عنوان‌های مختلف بهسازی، نوسازی و... پدید آمد. مفاهیمی که به دنبال خود طرح‌های متعدد و تغییرات یک‌باره‌ای را باعث می‌شد اما از آنجا که تشکیل شهر مفهوم یک‌باره‌ای نبود رفته رفته تصمیم‌گیران عرصه شهرداری در یافتن مفهومی را که به مرور زمان شکل گرفته است نمی‌توان به یک‌باره تغییر داد و از اینجا بود که «بازآفرینی» متولد شد و به دنبال آن برخی از محلات را هدف تغییرات تدریجی خود قرار داد. محله امام هادی نیز به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و با ظرفیت‌ترین محلات مشهد از جمله محلات هدف طرح سازمان بازآفرینی شهرداری مشهد است.

احسان حسنی، مسئول دفتر تسهیل‌گری محله امام هادی، ۴ روش را برای مداخله در بافت‌های

شهری معرفی می‌کند و می‌گوید: در ۳ روش بهسازی، بازسازی و نوسازی بیشتر به حوزه کالبدی و اقتصادی بافت‌های قدیمی توجه می‌شود اما در بحث بازآفرینی این طور نیست، در بازآفرینی زمانی که قرار است در بافتی فرسوده و ناکارآمد مداخله شود تمرکز بیش از هر چیزی روی بعد اجتماعی ماجراست و موضوع اجتماع در رأس تغییراتی که در بافت ایجاد شود، قرار می‌گیرد.

وی ادامه داد: در بعد اجتماعی تلاش ما بیش از هر چیزی روی بحث آگاه‌سازی، حساس‌سازی، اطلاع‌رسانی و مشارکت افراد ساکن در محله و بافت است تا در نهایت یک شهرسازی مشارکتی برای اصلاح بافت انجام شود. در این مدل از اصلاح بافت ما برای سهولت این فرایند مردم را پای کار می‌آوریم تا تغییرات در نهایت بر اساس خواست و مورد تأیید آن‌ها باشد چرا که ما در ۳ روش بازسازی، بهسازی و نوسازی توفیق چندانی نداشتیم و همین امر باعث تعریف طرح بازآفرینی شد.

حسنی اظهار کرد: در حوزه بازآفرینی ما کالبد را تغییر ندادیم بلکه روح فضا را تغییر خواهیم داد. عملکردی در آن بافت ایجاد می‌کنیم که در نهایت بافت مطلوب‌تر شود. در این بافت‌ها یک

سری آسیب‌های اجتماعی وجود دارد که ماسعی می‌کنیم آن‌ها را حل کنیم و پروژه‌های توسعه‌ای برای توانمندسازی اقتصادی مردم آن محله‌ها ایجاد می‌کنیم و از ظرفیت بالقوه افراد آن محله برای بهبود اوضاع خودشان استفاده خواهیم کرد.

مسئول دفتر تسهیل‌گری محله امام هادی درباره این محله بیان کرد: بافت محله امام هادی جزو بافت‌های ناکارآمد میانی است. به طور کلی بافت‌های هدف بازآفرینی به ۵ دسته تقسیم می‌شوند که شامل بافت‌های تاریخی (اطراف حرم، سناباد و...)، سکونتگاه‌های غیررسمی (قلعه ساختمان و...)، ناکارآمد میانی (محله امام هادی و...)، پهنه شهری با پیشینه روستایی (آبکوه و...) و کارآیی ناسازگار (طرق و...) است.

وی ادامه داد: درباره بافت‌های ناکارآمد میانی می‌توان گفت جزوی از شهر هستند که با وجود اینکه در دل شهر واقع شدند اما هم‌زمان با شهر پیشرفت نکردند و به لحاظ فرهنگی، اجتماعی، ساختاری و... به روز نشده‌اند. در همین محله امام هادی یک بافت تقریباً جدید در حاشیه خیابان اصلی وجود دارد اما از طرف دیگر بافت قدیمی در خیابان قربانی و... به چشم می‌خورد. محله امام هادی ظرفیت عظیمی دارد. محور آزادی،

به قلم دوربین

شهرآرا

## آماده‌سازی ایستگاه پذیرایی از زائران پیاده رضوی

و معلولان در دستور کار قرار گرفت. شهردار منطقه ۱۰ با اشاره به برپایی غرفه صلواتی برای پخش ندوات مردمی در این ایستگاه، اضافه کرد: چای، آب‌جوش، غذای گرم، انجام واکس، خیاطی، راهنمای زائر و راهنمای اسکان از جمله غرفه‌هایی است که در این ایستگاه به زائران خدمات می‌دهند.

حافظ خاطر نشان کرد: همچنین این مجموعه به نمازخانه، مکان‌هایی برای پاشویه، ماساژدرمانی سرویس‌های بهداشتی و استراحتگاه‌های تفکیکی خواهران و برادران مجهز می‌شود. ■

شهردار منطقه ۱۰ مشهد از آماده‌سازی ایستگاه استقبال و پذیرایی از زائران پیاده امام مهربانی‌ها در این منطقه خبر داد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، احمد حافظ با بیان این خبر افزود: با نزدیک شدن به ایام دهه پایانی صفر و آغاز سفر عاشقان بارگاه ملکوتی ثامن الحجج (ع)، آماده‌سازی و تجهیز ایستگاه خادم‌العباس منطقه با مشارکت مرکز جانبازان



شهردار منطقه ۱۰ مشهد به همراه مدیر سامان دهی بزرگراه آزادی از پروژه های بزرگراه آزادی، به صورت میدانی بازدید کردند. به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، شهردار منطقه ۱۰ مشهد در این بازدید بر برگزاری جلسات ویژه بزرگراه آزادی در راستای ایجاد هماهنگی با ستاد و مدیریت

بزرگراه آزادی درباره آزادسازی معابر تأکید کرد. احمد حافظ با تأکید بر رعایت اصول و قوانین شهرسازی و حقوقی، تعیین تکلیف صلح نامه ها و تفاهم نامه های املاک و موانع و مشکلات پلاک های موجود در مسیر بازگشایی بزرگراه آزادی را در اسرع وقت در دستور کار قرار داد.



## مدیر پروژه سامان دهی بزرگراه آزادی خبر داد آزادسازی حاشیه آزادی



۳  
چوپان

مدیر پروژه سامان دهی بزرگراه آزادی گفت: با اجرای صلح نامه های سردخانه صحت، شرکت بتن توس و دانشکده دامپزشکی حاشیه بزرگراه آزادی آزادسازی شد.

به گزارش شهر آرامحله، محمد ناصر خطیب از بازگشایی امتداد ۳۵ متری شهید امام دوست خبر داد و گفت: با اجرای صلح نامه های سردخانه صحت، شرکت بتن توس و دانشکده دامپزشکی در حدود ۶۰۰۰ متر مربع از مسیر اجرای کندروی حاشیه بزرگراه آزادی آزادسازی شد.

### دسترسی راحت آتش نشانی

وی تصریح کرد: همچنین امسال حدود ۳۰۰۰ متر مربع از مسیر امتداد خیابان ۳۵ متری شهید امام دوست (حدفاصل خیابان رازی تا کارخانجات آستان قدس رضوی) به ارزش ۹ میلیارد تومان بازگشایی و اجرای پروژه به زودی آغاز خواهد شد.

مدیر پروژه سامان دهی بزرگراه آزادی گفت: با اجرای پروژه خیابان شهید امام دوست به طول ۲۵۰ متر، افزون بر ایجاد دسترسی مناسب برای خدمات رسانی ایستگاه آتش نشانی در حال احداث، موجب بهبود و تسهیل عبور و مرور

اهالی شهرک انصار و خیابان رازی می شود. خطیب افزود: این اقدامات با همکاری شهرداری منطقه ۱۰ و با تهاجر حقوقات شهرداری مشهد برای سرانه های خدماتی و مزایای ورود به محدوده و نیز صدور مجوزات شهرسازی (پروانه و پایانکار) انجام شده است.

### هماهنگی با آستان قدس

خطیب با اشاره به اینکه تملک، بهسازی و بازگشایی مسیرهای کندروی بزرگراه آزادی با جدیت پیگیری می شود، گفت: هماهنگی های لازم با آستان قدس رضوی در راستای سامان دهی اراضی رها شده این سازمان در منطقه انجام شده است، امیدوارم ضوابط اجرایی پرونده هایی که در محث حریم قرار می گیرند، در اسرع وقت پیش بینی شود.

مدیر سامان دهی بزرگراه آزادی درباره اولویت بندی این طرح تصریح کرد: محدوده طرح از میدان قائم آغاز می شود و تاسره راه فردوسی به طول ۱۲/۵ کیلومتر ادامه دارد که ۸/۵ کیلومتر آن در محدوده شهری و ۴ کیلومتر دیگر خارج از محدوده شهری است.

وی ادامه داد: طرح بزرگراه آزادی از میدان قائم تا میثاق در ضلع جنوب جزو محدوده شهرداری منطقه ۱۰ و از میثاق تا مهدیه جزو محدوده شهرداری منطقه ۱۲ است. خطیب با بیان اینکه این محور به ۱۳ اولویت

تقسیم بندی شده است، گفت: اولویت اول حدفاصل میدان قائم تا بزرگراه میثاق است و محور دوم از بزرگراه میثاق تا کال زرکش و در نهایت اولویت سوم نیز از کال زرکش تا سهره راه فردوسی است.

### افزایش فضای سبز

مدیر سامان دهی بزرگراه آزادی خاطر نشان کرد: در سامان دهی این بزرگراه پوسته ۱۰۰ متری در نظر گرفته شده است که در ابتدا پیاده رو با عرض ۵ متر، فضای سبز به عرض ۳ متر، باند کندرو به عرض ۱۰ متر، فضای سبز به عنوان بوستان خطی به عرض ۱۵ متر، باند تندرو و بعد آبلند و فضای سبز در نظر گرفته شده است و دقیقاً قرینه آن در سمت دیگر محور ایجاد می شود البته یکی دیگر از اقدامات ما توجه ویژه به آب های سطحی است.

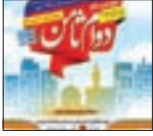
### دغدغه مدیریت شهری

خطیب گفت: بزرگراه آزادی یکی از شریان های اصلی شهر مشهد است که با توسعه شهر بخشی نیز در محدوده شهری قرار گرفته است. وی افزود: با توجه به اینکه این مسیریکی از ورودی های زائران به شهر مشهد محسوب می شود، یکی از دغدغه های مدیریت شهری سامان دهی این بزرگراه بود و شاخص هایی برای سامان دهی مدیریت این بزرگراه تعریف شد.

بیمارستان رضوی، بخش تجاری حاشیه جاده قدیم قوچان از طرفی و گروه های اجتماعی اصیل از جمله هیئت مذهبی قدیمی، ریش سفیدان محلی و... از طرف دیگر جزو ظرفیت های خوب این محله است و این امکان را به وجود آورده است که با استفاده از همین ظرفیت در راستای رفع نقص ها و مشکلات موجود استفاده کنیم. حسنی با اشاره به اینکه تیم باز آفرینی محله امام هادی یک ماه می شود که در این محله مستقر شده است، بیان کرد: موضوع ها و مسائل اجتماعی و فرهنگی در طول سال های متمادی شکل گرفته و با توجه به اینکه تمرکز مادر این طرح همین حیطه است نمی توان یک شبه انتظار تغییر داشت. ما یک برنامه زمانی ۴ مرحله ای شامل اعتماد، انسجام، ایجاد شبکه اجتماعی و در نهایت مشارکت برای این طرح تعریف کرده ایم. در مرحله اول ما باید از طریق ارتباط با گروه های اجتماعی مؤثر در محله اعتماد سازی کنیم، سپس این اعتماد سازی را منسجم و همدار و در گام های بعدی به ایجاد شبکه اجتماعی برای مشارکت در تغییرات مورد نظر تبدیل کنیم.

وی ادامه داد: این پروژه سه زمانبر است اما انتظار داریم تا یک سال و نیم آینده فعالیتمان را تا مرحله جذب مشارکت پیش ببریم. این کار کمک، همت و اعتماد همه مردم یک محله را می طلبد و امیدواریم با مشارکت مردم بتوانیم در راستای اهداف پیش برویم و پاسخ مثبتی به اعتماد مردم بدهیم.





میهمان داران آقاییم اگر لایق باشیم...

## ایستگاهی به وسعت ایران

گل دفتر

۶۴

محمد کاملان

ما ایرانی‌ها هر چیزی که نداشته باشیم یک سری رسوم خاص داریم که خودمان را حسابی به آن‌ها مقید کرده‌ایم.

اما یکی از آن خیلی خوب‌هایش رسم میهمان‌نوازی است. ایرانی جماعت معروف است به خوش مشربی و میهمان‌نوازی و البته این داستان شهر به شهر و آدم به آدم فرق دارد اما در کلیت ماجرا همان است که ذکرش رفت. در این میان اوضاع مشهد خیلی فرق می‌کند. بلا تشبیه مشهد برای ایران حکم بچه بزرگ را دارد که پدر و مادر خانه را در خود جای داده است و باید میهمان‌نواز تر باشد. به هر حال... مشهد هم از وقتی مشهد شد که قدم‌های مبارک امام هشتم به آن باز شد. قسمت شد هشتمین اختر تابناک امامت در خاک این شهر ماندگار شود و خب حالا ماییم و یک ایران میهمان که هر ساله به مشهد در رفت‌وآمد هستند و این رفت‌وآمد در ایام خاصی مثل شهادت و ولادت ولی نعمت این شهر به اوج خودش می‌رسد... بنابراین ما سال‌هاست در تلاش برای تمرین این سر مشقیم که میهمان حبيب خداست و خاصه اگر میهمان آقا باشد جایش روی چشم ما و روایت امروز روایتی از تمرین همین سرمشق است...

۲۲ سال پیش، درست در آستانه شهادت امام رضا (ع) در جاده سنتو چشمش به یک زن می‌افتد که علم به دوش و با پای پیاده دارد به سمت مشهد می‌آید. آخر آن زمان خیلی مرسوم نبود که کسی این‌طور خودش را به حرم امام هشتم برساند. با خودش می‌گوید رسم میهمان‌نوازی و همسایه امام هشتم بودن این نیست. سال بعد دست دوستانش را می‌گیرد و یک ایستگاه کوچک صلواتی در ورودی شهر می‌زنند برای استقبال از زائران. همان سال‌هایی که نه پیاده‌روی مد بود و نه موکب و ایستگاه صلواتی زن، ایستگاه صلواتی کوچک حاج اصغر تحقیقی در جاده مشهد- قوچان هر سال بزرگ و بزرگ‌تر شد تا اینکه امروز ایستگاهی شد به وسعت ایران. از کرمان و زاهدان گرفته تا اهواز و بوشهر و شیراز هر سال خودشان را می‌رسانند اینجا تا هر کاری از دستشان برمی‌آید برای زائر پیاده امام هشتم انجام دهند.

### ● از یک کارتن یک شروع شد!

داخل ایستگاه ولوله‌ای برپاست و هیچ کس بی‌کار نیست. یکی دوروزی بیشتر تا افتتاح رسمی ایستگاه باقی نمانده است و حاجی می‌گوید کلی کار روی زمین مانده دارند که باید هر چه سریع‌تر انجام شود. چون همین روزها کم‌کم زائران پیاده و میهمان‌های همیشگی‌شان از راه می‌رسند. همه منتظر هستند تا بچه‌ها هر چه سریع‌تر کار روی گنبد و گلدسته فلزی حرم امام رضا (ع) و ماکت نقاره‌خانه که هر سال درست در ورودی ایستگاه نصب می‌شود و یک جوهرایی نشان و نماد ایستگاهشان است، تمام کنند و کار ایستگاه که از چند روز پیش آغاز شده است، شکل رسمی‌تری به خودش بگیرد. حاج اصغر تحقیقی وسط همه این شلوغی‌ها و هماهنگی‌های پر شماری که باید انجام بدهد، در یک گوشه دنج از سوله‌ای که از چند روز دیگر لبریز از زائران پیاده می‌شود می‌نشیند و شروع می‌کند به تعریف کردن قصه استقبال بی‌کم و کاستی که در همه این سال‌ها از زائران پیاده امام رضا (ع) انجام داده است. می‌گوید: من در این میان هیچ کاره‌ام و فقط نوکر زائرهای امام هستم. آقا

هر سال خودش همه چیز را جفت و جور می‌کند و به دست من واسطه می‌سپارد. اینکه چطور می‌شود حاج اصغر هر سال دست‌دوست و آشنا را می‌گیرد و می‌آورد پای کار ایستگاه، قصه‌ای دارد که باید برای شنیدنش به ۲۲ سال قبل و همین جاده مشهد- قوچان برگردیم. حاجی تعریف می‌کند: «حدود ۲۰ سال قبل پیاده‌روی به سمت حرم امام رضا (ع) خیلی مرسوم نبود. در دهه آخر صفر و نزدیکی‌های شهادت آقا خیلی کم زائر پیاده‌ای در جاده‌ها به سمت مشهد می‌آمد و حتی مردم مشهد هم خیلی نمی‌دانستند که چنین رسمی وجود دارد. یادم هست یک زمانی گروهی دوچرخه‌سوار فقط از قوچان به سمت مشهد راه می‌افتادند. یک روز در همین جاده سنتو داشتم می‌رفتم، دیدم که خانمی یک علم روی دوشش گذاشته است و دارد به سمت مشهد می‌آید. برایم عجیب بود و سؤال شد که این خانم دارد کجا می‌رود؟ آن هم تک و تنها. ماشین را نگه داشتم و سؤال کردم که ماجرا چیست؟ چرا پیاده؟ گفت من نذر دارم هر سال پای پیاده بیایم مشهد. حالم منقلب شد. با خودم گفتم این زن تک و تنها در این مسیر با چه عشقی دارد به سمت حرم می‌رود و وظیفه من بچه محل امام رضا (ع) نیست که از



او پذیرایی کنم؟ تنها کاری که آن زمان از دستم برمی آمد این بود که چیزی بخرم و همانجا بین زائر ها تقسیم کنم. آدم از دکه نان رضوی کنار پلیس راه امام هادی (ع) یکی دو کارتن کیک خریدم و توزیع کردم تا حداقل دلم آرام بگیرد.»

### ● ایستگاه روزه روز بزرگ تر می شد

همه آن سال فکر و ذکر حاج اصغر این بود که چطور از زائران حضرت پذیرایی کند و به قول قدیمی ها حق همسایگی را بجا بیاورد. آن کارتن کیک انگار مُسکنی موقت بود برای آشوب دل حاجی. فکر می کرد همسایه خوبی برای اسم امام رضا (ع) نبوده و در همه این سال ها از میهمان های حضرت درست و حسابی پذیرایی نکرده است. شده بود مصداق بارز این شعر صائب تبریزی که مازنده به آنیم که آرام نگیریم. حاج تحقیقی واقعا هم برای پذیرایی از زائران پیاده آقا آرام و قرار نداشت. برای همین آن کارتن کیک معروف، سال بعد به یک ایستگاه صلواتی جمع و جور در جاده قوچان تبدیل شد. حاجی دست دوست و آشنا را هم گرفت و آورد پای کار: «با چند تا دوستان

و بچه های جلسه مان

صحبت کردم و آمدیم در همین جاده مشهد- قوچان یک ایستگاه صلواتی زدیم که مثل الان خیلی مُد نبود. کار بزرگ و گسترده ای هم نمی کردیم؛ فقط چای دست زائران حضرت می دادیم. یاد هست یکی دو باری هم صبحانه مفصلی دادیم.» ایستگاه سال به سال بزرگ تر و بزرگ تر شد و آن هایی هم که از نیت پاک و خیر حاجی خیر داشتند، با پیش گذاشتند و به قول معروف بانی خیر شدند تا زائر آقا کم و کسری نداشته باشد. حاج اصغر می گوید: «راستش

به صبحانه و چای راضی نبودیم. سال بعد شام و ناهار را هم اضافه کردیم. یکی، دو سال به همین منوال گذشت تا اینکه دست و بالمان باز شد و زائر که می آمد اینجا، دست خالی بیرون نمی رفت. هدایایی تهیه کرده بودیم و به آن ها می دادیم. تعداد زائر های پیاده که زیاد شد، متوجه شدیم خیلی از این هایی که این مسیر را می آیند، کفش هایشان پاره می شود و دیگر خوب نیست. کارتن کیک کفش نو می آوردیم و به زائرانی که کفش هایشان آسیب دیده بود و نمی توانستند با آن بقیه مسیر را بروند، می دادیم. سال های بعد باز کارمان را بیشتر از قبل گسترش دادیم. زائر های پیاده زیاد لباس با خودشان بر نمی دارند که بارشان سنگین نباشد.

دیدیم خوب نیست زائر آقا لباس کتیف برود حرم، ماشین لباسشویی های صنعتی آوردیم اینجا که لباس هایشان را بشویم. متوجه شدیم تلفن همراهو سیم کارت هایشان در راه خراب می شود، بچه های تعمیرکار تلفن همراه را آوردیم اینجا. آرایشگاه و ماساژ و دکتر هم که جزو نیاز های ضروری شان بودند نمی شد که نباشند. یک نانوائی هم اینجا زدیم که نان شیرمال و معمولی داغ بدهد دستشان. از

کار فرهنگی و دینی هم غافل نشدیم. حتی در این سال ها برای استقبال از زائران هم فکرها می کرده ایم. از دو بست سبید متر مانده به ایستگاه با شتر و گروه مارش به استقبالشان می رویم و وقتی وارد مجموعه می شوند برایشان نقاره می زیم. نمی دانید چه حال و هوایی پیدا می کنند.»

### ● یکی عاشق تر از ما پیدا شد

حاج اصغر می گوید البته الان ۱۵ سال است که از جای قبلی به اینجا اسباب کشی کرده ایم. این جایی که حاجی از آن صحبت می کند یک تعمیرگاه چند هزار متری لودر و خودرو های سنگین در جاده سنتو است که یک ماه از سال تغییر کاربری می دهد و می شود ایستگاه استقبال از زائران پیاده امام رضا (ع). داستان این اسباب کشی هم جالب است و هم عجیب و شاید خیلی با باورش نکنند. اما یادآوری این قصه بعد از ۱۲ سال هنوز حاج تحقیقی را منقلب می کند و او هم با همان حال دگرگون شده و گریه ای که به سختی جلوی آن را می گیرد، شروع می کند به روایت این ماجرا: «امام هشتم هوای زائرش را دارد و هیچ وقت فراموشش نمی کند. سال ها قبل ما درست مقابل همین جایی که الان هستیم ایستگاه صلواتی داشتیم. باغ یکی از دوستانمان بود که برای پذیرایی از زائران آماده اش کرده بودیم. یک روز آقای آمد آنجا و همان طور که چایی می خورد گفت آن سوله رو به رویی مال من است. اگر کاری داشتید در خدمتم. راستش را بخواهید خیلی تحویلش نگرفتم. یک بله و باشه حتماً از سر شکم سیری گفتم که زودتر برود. با خودم گفتم سوله این بنده خدا را می خواهیم چه کار؟ چند ساعت بعد چنان باد و توفان و سرمایی شروع شد که همه را زمین گیر کرد. در آن وضعیت اصلاً نمی توانستیم در ایستگاه خودمان به زائران جا بدهیم. در آن گیر و دار یاد آمد که صبح یک نفر گفته بود که حاضر است سوله اش را برای زائران به ما بدهد.

سرع خودم را رساندم این طرف. از صاحب ملک که خبری نبود، ماجرا را به نگاهبان توضیح دادم در باز کرد. همه چیز مرتب و آماده بود. فقط می خواست سوله را فرش کنیم و بخاری ها را روشن. چند دقیقه بعد آقای مقدم، صاحب کارخانه و همسرش سر رسیدند. وقتی دیدند زائران پیاده آقا دسته دسته دارند وارد ملکشان می شوند این قدر خوش حال شدند که حد و حساب نداشت. ایستاده بودند رو به حرم امام هشتم و از آقا تشکر می کردند که اجازه داده میزبان زائرانش باشند. من و بقیه بچه ها مات و مبهوت داشتیم این دو نفر را نگاه می کردیم. تا قبل از این ماجرا فکر می کردیم که فقط خودمان عاشق حضرت و زائرانش هستیم، اما دیدیم از ما عاشق تر هم پیدا می شود.»

### ● ایران کوچک

اسم این ایستگاه را می شود گذاشت ایران کوچک. چون غیر از مشهدی ها، کلی آدم از چهار گوشه می آیند اینجا تا به زائر امام رضا (ع) کمک کنند. آدم هایی که یا با هنرشان یا با سوغات خاص شهرشان از زائران پیاده آقا پذیرایی می کنند. یک نفر بانی می شود و از بزم خرما می آورد. یکی دیگر از کرمان کلمپه و خرما می فرستد. یک زن از

زاهدان چندین سال است که همه چایی ایستگاه را تقبل کرده است. جنوبی ها غرغر گرفته اند و برای زائر ها فلافل اصل آبادان درست می کنند. یزدی ها هر سال می آیند و عکس و کتلت های مخصوص خودشان را بر می می کنند. بر و بچه های اصفهان هم که هنرشان مارش عزاست، این یک ماه را اینجا هستند. بازاری های ماساژ بلد تهران ۱۲، ۱۰ سال است که پای ثابت اینجا هستند. یک گروه هم از شیراز هر سال با خودشان چند تن سبب مینی می آورند و سبب مینی سرخ کرده دست زائر ها می دهند. حاج اصغر تحقیقی یک جورهایی دور ایران را می گردد و برای ایستگاه، خادم الرضا (ع) پیدا می کند: «درست است که اینجا ایستگاه صلواتی است، اما خیلی از این بچه هایی که از نقاط مختلف ایران می آیند برای خدمت را خودم پیدا کردم و تا اسم امام رضا (ع) را آورده ام، با جان و دل آمده اند برای خدمت. من هر جا که برای مسافرت می روم، یک جورهایی این آدم ها را طبق نیازی که در مجموعه داریم شکار می کنم. مثلاً یک نفر را در یزد پیدا کردیم که هر سال می آید اینجا و نخل می بندد. آن سال هایی که سرد بود، رفتیم اصفهان و کسی را پیدا کردیم که شلغم برایمان می فرستاد. بچه هایی که از شیراز با سبب مینی سرخ کرده می آیند را هم همین طور پیدا کردیم و قصه جالبی دارند. یک روز آمدند اینجا برای خدا قوتی دادن. می خواستند خادم یار بشوند. گفتم ما اینجا دو مدل آدم بیشتر لازم نداریم. یا دست به آچار باشد یا دست به جیب. نفر سوم نداریم. اگر از این دو دسته هستید بسم... بیاید و کار کنید. گفتند ما همه کاره ایم و یکی از هنرهایمان سبب مینی سرخ کردن است. قول دادند و سال بعد با ۳۰۰، ۲۰۰ کیلو سبب مینی آمدند اینجا و سال به سال بیشترش کردند. امسال گفتند با خودمان دو تن سبب مینی می آوریم. بچه های ماساژور ما بازاری های تهران هستند. یک شب رفته بودم هیئتشان و همین که برنامه تمام شد، بلند شدم گفتم کسی می خواهد خادم امام رضا (ع) باشد. همه دستشان را بلند کردند. ماجرا را برایشان توضیح دادم و گفتم مویکی داریم که به ماساژور نیاز دارد، اگر می آید بسم... با آن هایی که می خواستند بیایند دست به دست هم دادیم و صیغه نذر خواندیم. الان ۱۵ سال است که بی هیچ چشم داشتی می آیند در ایستگاه صلواتی و پای زائر پیاده آقا را ماساژ می دهند، می بوسند و یک جفت جوراب نوپایش می کنند. جوراب هایی که خودشان از تهران می آورند. من می کردم هر کسی هر هنری داشته باشد می آورم اینجا.»

● از شست و شوی لباس تا پخت نان حاجی مشهدی ها را همین طور پای کار آورده و خادم زائران پیاده کرده است. تا اسم امام رضا (ع) و زائران پیاده را می آورد و از حق همسایگی که باید به جا آورده شود صحبت می کند، همه با جان و دل قبول می کنند: «ما اینجا نیاز داشتیم که کسی باشد و لباس های زائران را شست و شو دهد. حمام داشتیم و لباس زیر نوبه زائران می دادیم، اما نیاز بود که لباس هایشان شست و شو داده شود و با رخت تمیز برون حرم برای زیارت. رفتیم سراغ اتحادیه خشکشویی و ماجرا را گفتم. شاید کمتر از ۱۰ دقیقه تا یک ربع طول کشید که رئیس اتحادیه و هیئت مدیره فقط گفتند چشم! ۴، ۳ دستگاه ماشین لباس شویی آوردند و وقف مجموعه کردند. خودشان در این یک ماه صبح تا شب اینجا مشغول هستند. نانوائی ای هم که در ایستگاه زدیم همین طور جور شد. عاشورا کربلا بودم و دیدم که

یک نانوائی در بین الحرمین گذاشته اند و دارند نان گرم دست زائران می دهند. پای آن تنور بغضم شکست و شروع کردم به گریه کردن. از آقا خواستم که بساط نان پختن و نان گرم دادن دست زائر پیاده امام رضا (ع) را برای من فراهم کنند. شاید باور نکنید اما بی در دسر همه امکاناتش جور شد. رُک و راست به اداره غله ماجرا را توضیح دادم و آن سال ۱۰۰ کیسه آرد به من داد. یک نفر هم که سازنده تنور نانوائی بود، دم و دستگاه نانوائی را آورد و وقف مجموعه کرد. آن ۱۰۰ کیسه آرد به چند تن رسیده است و هم نان معمولی داغ دست زائران می دهیم، هم نان شیرمال.»

### ● کم و کسر گذاشتن برای زائر بی معرفتی است

شاید اگر ایستگاه های صلواتی را هم مثل هتل ها با ستاره درجه بندی می کردند، ایستگاه حاج اصغر و رُفقایاش جزو آن ۵ ستاره ها می شد. کم و کسر گذاشتن برای کسی که چند صد کیلو متری پیاده تا مشهد آمده است اصلاً در قاموس حاجی نمی گنجد و می گوید: «این اوج بی معرفتی است و چنین کاری بلد نیستیم.» و بعد ادامه می دهد: «۲۲ سال است که دارم به زائران پیاده آقا خدمت می کنم، شاید باور نکنید اما یک بار هم به آن ها پلو عدس نادم. دستم به خرید برنج هندی و پاکستانی درجه ۲ و ۳ نرفته است و هر سال بهترین برنج ایرانی را جلویشان گذاشته ام. گوشت برزلی یخ زده هیچ وقت نمی خرم. چون این ها دارند برای عرض ارادت به ارباب من و شما می آیند و حق نداریم برایشان کم بگذاریم. مگر ما بچه محل امام رضا (ع) نیستیم؟ آمدن این ها به مشهد برای ما افتخار نیست؟ امام رضا (ع) همین که منت سر ما گذاشته و اجازه داده است که مشهدی باشیم و همسایه اش، باید حق همسایگی را به جا بیاوریم. یک سال خانمی از فاروج آمده بود. پرسیدم دفعه چندم است که مشهد می آیی؟ گفت این دومین بار است. این هم چون مجانی بود، توانستم بایم. امام رضا (ع) زائرش را بیشتر از من دوست دارد و هوایش را دارد. هیچ وقت نمی گذارد که به او بد بگذرد یا من مجبور شوم برای او کم بگذارم.»

### ● ناشنواها از جان و دل مایه می گذارند

حاج اصغر و وسط گفت و گویمان چندین بار با زبان اشاره با بعضی از بچه های ایستگاه باسلام و احوال پرس می کند یا چیز هایی می گوید که برای ما که زبان اشاره بلد نیستیم، نامفهوم است. در نگاه اول فکر می کنیم که شاید چند نفری از کادر ایستگاه ناشنوا هستند اما وقتی وارد محوطه می شویم، تازه می فهمیم که بخش زیادی از کارکنان ایستگاه حاجی بچه های ناشنوا هستند. همه لباس خادمیاری پوشیده اند و مثل بقیه گوشه ای از کار ایستگاه را گرفته اند و دارند فضا را آماده ورود زائران پیاده می کنند. ماجرای حضورشان در ایستگاه را که می پرسیم، حاج اصغر می گوید: «من خیلی وقت است که با ناشنواها در ارتباط هستم. مجموعه ای دارند که من هفته ای یک بار برای مشاوره مذهبی آنجا می روم. سال پیش همه شان را دعوت کردیم به ایستگاه و برایشان برنامه گذاشتیم. وقتی که داشتند می رفتند با همان زبان اشاره می گفتند امروز دل ما باز شد. خیلی مشتاق بودند که برای خدمت بیایند اینجا و امسال دستشان را در ایستگاه بند کردیم. این هادر کارهای یدی خیلی کمک حالمان هستند و خوب هم کار می کنند و از جان و دل مایه می گذارند.»

### ● پیشرفت میهمان داری...

تشریف با پای پیاده به حرم امام رضا (ع) در ایام شهادت و تولد... قدمش زیاد نیست، شاید ۳۰ سال پیش این موضوع مثل این روزها آن قدر روال نبود اما هر چه گذشت و هر سال که عاشقان بیشتری در این راه حاجت روا شدند یا حال خوششان را در این راه جستند طرف داران این راه پر عشق هم بیشتر و بیشتر شد، روزگاری اگر تنها ایستگاه استقبال از زائر پیاده ایستگاه صلواتی کوچک حاج اصغر تحقیقی بود اما خوشبختانه امروز این راه نیک رهروان زیادی دارد به طوری که طبق آخرین آمارها امسال هم زمان با ایام دهه پایانی صفر ۱۵ هزار خادم زائران پیاده رضوی آغاز به کار کردند. هم زمان با اربعین حسینی، ۱۵ هزار خادم زائران پیاده امام رضا (ع) لباس خدمت پوشیدند تا در هجدهمین سال متوالی، به طور رسمی این خدمت رسانی را آغاز کنند.

### ● پیش بینی ۵۰۰ هزار زائر پیاده

بر اساس اعلام رسمی روابط عمومی جمعیت خدمت گزاران زائران پیاده، خدمت رسانی از روز اربعین آغاز شد و تا پایان ماه صفر و بازگشت این زائران به شهر خود، ادامه خواهد داشت. سال گذشته ۴۳۰ هزار زائر پیاده در دهه پایانی ماه صفر و ایام شهادت امام رضا (ع)، به مشهد مقدس مشرف شدند و بر اساس پیش بینی ها، امسال تعداد این زائران به حدود ۵۰۰ هزار نفر خواهد رسید. دفتر مرکزی جمعیت خدمت گزاران زائران پیاده در خیابان بهار مشهد (ساختمان اتکا) و با شماره تلفن ۰۵۱-۳۸۵۵۸۱۰ (۱۰ خط) آماده جذب مشارکت های مردمی برای میزبانی از زائران پیاده است. بر اساس آنچه اعلام شده است، اسکان زائران در مدارس و مساجد مشهد مهم ترین نیاز روزهای پایانی ماه صفر است که شهروندان می توانند از طریق شورا های اجتماعی محلات یا دفتر جمعیت خدمت گزاران زائران پیاده، آمادگی خود را برای مشارکت در این میزبانی اعلام کنند. همچنین هماهنگی برای توزیع نذورات مردمی در مسیر های منتهی به مشهد و جذب دیگر مشارکت های مد نظر نیز از طریق این جمعیت امکان پذیر است.

### ● هر زائر پیاده با ۲۰۰۰ تومان بیمه می شود

در همین باره سخن گوی جمعیت خدمت گزار زائران پیاده امام رضا (ع) از پیش بینی خدمات بیمه ای برای زائران پیاده خبر داد و گفت: تاکنون ۵۰ هزار نفر از زائران پیاده از سوی مدیران کاروان ها، بیمه شدند و با توجه به ارزان بودن بیمه نامه، پیش بینی می شود که کلیه زائران، خود را بیمه کنند. حسین رضائی، هزینه بیمه شدن برای هر زائر را ۲ هزار تومان اعلام کرد و افزود: در سامانه bimezaer.com امکان صدور بیمه نامه پیش بینی شده و افزون بر زائران، مدیران کاروان ها، مدیران ایستگاه ها، مدیران محل اسکان و کلیه خدمه نیز می توانند بیمه شوند.





برشی کوتاه از تجربه نگاری یک سفر اولی

## اربعین تمام شد و دلم در نجف ماند...

هم محلی

در خود جای داده‌ام و هم شکل و شمایلش با هر قبرستان دیگری متفاوت است، پر است از خانه‌های کوچک... در باره حرم اگر بخوام چیزی بگویم فقط می‌شود گفت وقتی برای اولین بار چشمم به گنبد حرم علی بن ابیطالب می‌افتد حالت دگرگون می‌شود، حس غرور و ابهت می‌کنی و بزرگی منش حضرت تمام وجودت را می‌گیرد. در تمام خیابان‌های اطراف حرم تا چشم کاری کند موبک خدمت‌رسان است و جمعیت، شور و حالی دارد برای خودش... میلیون‌ها نفر با به کشور عراق گذاشته‌اند برای حضور در اربعین حسینی و این صفای دیگری به شهر می‌دهد، در سیل جمعیت و در کنار پاکبانان شهرداری نجف، پاکبانان شهرهای مشهد و تهران هم به چشم می‌خورند تا زیر پای زائران تطهیر و مقداری از حجم زباله موجود در شهر را کم کنند.

سعی کردم در شب که جاده نجف به کربلا خلوت تر است با خودم و خود را به بین الحرمینی برسانم که بارها در ذهنم تجسمش کرده بودم، در دو طرف مسیر پیاده روی نجف به کربلا پر است از موبک با خدمات مختلف، موبک‌هایی که به هم چسبیده‌اند و قطع نمی‌شود که هم عراقی‌ها در آن فعال هستند و هم ایرانی‌ها... به کربلا می‌روم، به سرزمینی با آن ماجراهای تاریخی، به حرم حسینی که برای زنده نگه داشتن مفهوم انسانیت از جان و زندگی اش گذشت و کوتاه نیامد و در برابر یزیدی ایستاد که خود را امیر المؤمنین می‌دانست اما مسیر حق را پیش نمی‌رفت، پس حسین (ع) درسی تاریخی به پیر وانش داد، درسی که بیش از ۱۴۰۰ سال است روزی روزگار پر رنگ‌تر و بر طرف داران حسین بن علی افزوده می‌شود. بین الحرمین پر است از دسته‌های عزاداری که هر کدام به نحوی به امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) عرض ارادت می‌کنند. وصف شدنی نیست که آدم چه حال و هوایی دارد آنجا، فقط می‌دانم دلم را جامی گذارم و بر می‌گردم نجف. به مسجد کوفه می‌روم، مسجدی تاریخی با اجراهایی متفاوت که مهم‌ترین مکانش محل ضربت شمشیر بر فرق عدالت است، پس از انجام اعمال‌ها و زیارت مسلم بن عقیل و مختار ثقفی به نجف باز می‌گردم. هر چه به روز اربعین نزدیک می‌شوم نجف خلوت‌تر و مسیر کربلا و کربلا شلوغ‌تر می‌شود، شهر از تب و تاب می‌افتد، موبک‌ها جمع می‌شوند، جمعیت کم می‌شود، در خیابان‌هایی که از فرط جمعیت جای سوزن انداختن نبود حالا فقط خودم و تردمی‌کنم، غم و وجودت را می‌گیرد اما عزاداری در حرم حضرت علی (ع) راحت‌تر می‌شود و می‌توان یک دل‌سیر و در تنهایی و خلوت عزاداری کرد. با خیال عظیم زائران اربعین به مرز مهران بر می‌گردم، اتوبوس‌های شرکت واحد زائران را تا پایانه مسافربری مهران جابه‌جا می‌کنند تا هر کس به شهر و دیدار خود بازگردد و این برای من سفر اولی تازه شروع همه چیز است. ■

جزو تیم مستندسازی ثبت لحظه‌های بی نظیر پیاده روی اربعین بود، می‌گویم اگر به بهانه کار نبود شاید حالا حالا هاقسمت نمی‌شد پایم را در این سرزمین عجیب و غریب بگذارم. همه اگر رفتند در حال خودشان غرق شوند و آورفته تا در حال بقیه غرق باشند. چشم‌هایم را برای دیدن چشمان بقیه وقتی به بین الحرمین می‌رسند باز نگاه داشته‌ام و اشکی هم اگر بوده در ادامه اشک عاشقان حسینی ریخته است، این روایت یک برش کوتاه از خاطره نگاری محمد مرادیون از اهالی محله حجاب و عضو مستندسازان تیم شهرداری مشهد در آیین پیاده روی اربعین امسال است.

از سرزمین عراق داستان‌های زیادی شنیده بودم اما برای اولین بار بود که پایه این کشور می‌گذاشتم، اما نه فقط برای زیارت بلکه ثبت و دریافت تجربه لحظات حال و هوای اربعین، با خیال عظیم زائران از مرز مهران وارد خاک عراق شدیم، از کشوری با امکانات مطلوب وارد کشوری شدیم که با گرد و غبار و بی امکاناتی دست و پنجه نرم می‌کرد. با اتوبوس‌های عراقی خود را به نجف رساندیم، زائر پیاده در جاده‌های اطراف نجف هم بود و از نزدیک‌ترین شهرها به سمت نجف موبک‌های فراوانی که انگار خاص اربعین ساخته و تزئین شده بودند، وجود داشت. قدم به قدم و دیوار به دیوار موبک‌های عراقی‌هایی بود که هر چه داشتند در اختیار زائر امام حسین (ع) گذاشته بودند، یکی آب خنک نذر می‌کرد، یکی چای غلیظ عربی و یکی جای خوابی برای زائران فراهم کرده بود.

اتوبوس‌های شهرداری مشهد هم برای خدمت‌رسانی به زائران آمده بودند و آن‌ها را از شهر شوملی به نجف و برعکس جابه‌جا می‌کردند. به شهر نجف رسیدیم، شهری مملو از جمعیت زائر، ماشین‌های آمریکایی و کره‌ای و ژاپنی، دست‌فروشان محصولات چینی و البته انواع و اقسام آلودگی‌های بصری و شهری و زباله... دیدن عاشقان ابا عبد... حسین (ع) حال آدم را دگرگون می‌کرد، یکی مادرش را با ویلچر به مسیر کربلا می‌برد یکی فرزند معلولش را روی یک کودک چند ماهه خود را با کالسکه، پیرزن و پیر مردهایی که با عصا و سختی راه می‌رفتند و همه این‌ها بدون لحاظ کردن فاکتور عشق بسیار عجیب و بی معنا بود. از تمام شهرهای ایران با لهجه‌ها و گویش‌های مختلف آمده بودند، از کشورهای مختلف با پرچم‌های آذربایجان، ترکیه، افغانستان، پاکستان، الجزایر، هندوستان، آلمان و... به سمت حرم امیر المؤمنین (ع) راه افتادیم تا به محل اقامت برسیم، صحنه‌ای خاص رو به رویم بود. غروب خورشید و قبرستان وادی السلام، قبرستانی که هم بزرگ‌ترین قبرستان دنیاست هم بزرگانی را

۵۸

چوپان

یکی آب خنک نذر می‌کرد، یکی چای غلیظ عربی و یکی جای خوابی برای زائران فراهم کرده بود



## گزارشی از واحدهای تجاری پُرشمار غیر مجاز در بولوار توس

# بر مدار تخلف

در محله

۵۹  
استادی

تغییر کاربری و ساخت و سازهای غیرقانونی در برخی از محلات منطقه ۱۰ به یک رویه معمول تبدیل شده است و اگر کسی در این محله ها خلاف نکند، انگار گناهی بزرگ مرتکب شده است. در یوسفیه، نهضت و مشکینی سودجویی و اراده سازنده ها تعیین کننده تعداد طبقات ساختمان است نه پروانه شهرداری. برای همین دیدن آپارتمان های ۴-۵ طبقه بدون پارکینگ در کوچه های باریک که تراکمشان نباید بیشتر از ۲ یا نهایت ۳ طبقه باشد، اصلاً چیز عجیبی نیست. در بولوار توس هم هر کسی دستش می رسد، بی ضابطه و قانون و پروانه شهرداری، پارکینگ یا بخشی از واحد مسکونی اش را به واحد تجاری تبدیل می کند که دلش هم جذابیت های مالی بالای واحدهای تجاری در این منطقه است.



بعید است که وارد کوچه های پُرتردد و معروف بولوار توس مثل حمامی، حشمتی، ثنایی و غفوری شوید و با دیدن تعداد زیاد بلوکه های سیمانی و یژه پلمب شهرداری از این حجم بالای تخلفات ساختمانی تعجب نکنید. اغراق نیست اگر بگویم که از هر ۱۰ خانه در این معابر، جلوسه یا چهارتای شان یکی از این بلوکه ها گذاشته اند. تعداد تخلفات در برخی از خیابان ها به اندازه ای بالاست که شهرداری مجبور شده است مقابل نیمی از خانه های آن بلوکه بگذارد و به قول مردم دیوار حائل درست کند. طبق آن چیزی که شهرداری روی بلوکه ها و برکه هایی که روی در کرکره ای چسبانده، نوشته است و اطلاعاتی که از اهالی محله می گیریم، علت این پلمب های گسترده، تجاری سازی های بی ضابطه مالکان در این منطقه است که شهرداری را وادار کرده است گاهی اوقات ۳ یا ۴ واحد تجاری غیر مجاز کنار هم دیگر را پلمب و پیاده رو جلوی شان را باریک تر از قبل کند. جالب اینجاست که صاحبان چندتایی از همین مغازه های پلمب شده، کرکره واحد غیر مجازشان را با همان وضعیت بالا داده اند و مشغول کسب و کار هستند، با اینکه به پیگیری قانونی و دادگاه و زندان تهدید شده اند.

### ● هزینه بالای پروانه

یکی از مالکانی که مغازه پلمب شده اش را دوباره باز کرده است به ما می گوید: شهرداری با این چیزها نمی تواند جلو من را بگیرد. این حق من است که در محله خودم مغازه باز کنم و کاسی راه بیندازم. فعلاً که این بلوکه سیمانی بیشتر از من، مردم را آزار می دهد و راهشان را در پیاده رو سد کرده است و گر نه من مشتری خودم را دارم و مثل قبل در حال کاسی هستم.

بقیه مالک ها حرف های مشابهی می زنند و نقطه مشترک صحبت های همه آن ها این است که شهرداری حق ندارد

برای تبدیل پارکینگ یا بخشی از واحد مسکونی به مغازه از آن ها پولی بگیرد یا ملکشان را پلمب کند، چون زمین و خانه متعلق به خودشان است و قبلاً برای ساخت آن از شهرداری مجوز و پایان کار گرفته اند. البته در این میان عده دیگری هزینه های بالای پروانه بهره برداری موقت و دائم را بهانه تخطی از قوانین شهرداری قرار داده اند و چون معتقدند چنین پولی برای یک واحد تجاری ۱۲ متری زیاد است، پس اجازه دارند که تخلف کنند.

### ● از پلمب تا حبس

اما برخلاف صحبت های مطرح شده از سوی برخی از متخلفان، شهرداری طبق قانون هم مجاز به پلمب واحدهای تجاری غیرقانونی است و هم برای تأسیس هر مغازه یا تبدیل واحد مسکونی به تجاری باید پروانه گرفت و طبق بند ۲۴ ماده ۵۵ شهرداری اگر محل غیر تجاری به تجاری تبدیل شود، باید پرونده آن به کمیسیون ماده ۱۰۰ ارجاع و این کمیسیون رأی به تعطیلی یا پلمب آن بدهد. در این قانون آمده است: «شهرداری در شهرهایی که نقشه جامع شهر تهیه شده مکلف است طبق ضوابط نقشه مذکور در پروانه های ساختمانی نوع استفاده از ساختمان را قید کند.»

در صورتی که بر خلاف مندرجات پروانه ساختمانی در منطقه غیر تجاری محل کسب یا پیشه یا تجارت دایر شود، شهرداری موضوع را در کمیسیون مقرر در تبصره یک ماده ۱۰۰ این قانون مطرح می کند و کمیسیون در صورت احراز تخلف مالک یا مستاجر با تعیین مهلت مناسب که نباید از ۲ ماه تجاوز کند در باره تعطیلی محل کسب یا پیشه یا تجارت ظرف مدت یک ماه تصمیم می گیرد. این تصمیم به وسیله مأموران شهرداری اجرا می شود و کسی که عالماً از محل مزبور پس از تعطیلی برای کسب و پیشه یا تجارت استفاده کند به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال محکوم خواهد شد و محل کسب نیز دوباره تعطیل می شود. ■

آی خبر

## تقویت فن بیان و سخنوری در فرهنگسرای شهر زیبا

کارگاه آموزشی فن بیان و سخنوری در فرهنگسرای شهر زیبا و ایمن برگزار شد.

به گزارش شهر آرمحله، این کارگاه با مشارکت گروه مکعب چهارشنبه ۲۴ مهر ماه تشکیل شد و نحوه ارتباط مؤثر و بالا بردن مهارت های لازم در برقراری ارتباط با دیگران از جمله اهداف برگزاری این دوره آموزشی بود.

عمادگرچی، مدیر این کارگاه و مدیرعامل شرکت مکعب، در این همایش بیان کرد: شرکت مکعب طراحی و رویدادهای متعددی از جمله نمایشگاه ها، برگزاری دوره های آموزشی، همایش ها و ارائه مشاوره مدیریتی در زمینه های سیستم سازی، تبلیغات و... را انجام می دهد.

وی ادامه داد: فعالیت های این گروه در چند پروژه اصلی شامل پرستیز، قهرمانان فروش، مکعب، جنبش شهر زیبا و... تعریف می شود که برای مثال جنبش شهر زیبا هر سال در مشهد برگزار و به صورت ویژه میزبان شهرداری ها، استانداران در سراسر کشور و... است و آموزش هایی در راستای مدیریت شهری ارائه می شود. گرچی ادامه داد: پرستیز نیز رویدادی است که در بحث تشریفات، مذاکره و روابط عمومی... با تأکید بر بخش دولتی فعال است و قهرمانان فروش بیشتر مباحث فروش، بازاریابی، فن بیان، رهبری در فروش و... را هدف قرار داده است.

ریاست همایش مکعب تالک ادامه داد: مکعب تالک نیز ایده ای بود که در آن قصد داشتیم فضایی ایجاد کنیم تا کسانی که می خواهند بتوانند توانایی سخنوری و فن بیان خود را در آن طرفی به جامعه معرفی شوند و تجربه سخنرانی داشته باشند.

گرچی خاطر نشان کرد: در همین راستا شعار این ایده «رویدادی با سخنرانی خودتان» شد تا اگر مخاطب هستی و ولی فکر می کنید روزی می توانید به عنوان سخنران در برنامه ای حضور یابید دست به کار شوید.

مدیرعامل شرکت مکعب گفت: در این همایش سخنران و مخاطب حضور دارند و مزیت حضور به عنوان سخنران این است که به دلیل قرار گرفتن در این شرایط استرستان به حداقل می رسد و به عنوان مخاطب افزون بر اطلاعاتی که از سخنران می گیرید کمک می کند تا تمایلی پیدا کنید و به عنوان سخنران در برنامه شرکت داشته باشید. ■



## آسفالت ۱۳ هزار مترمربع از معابر

شهردار منطقه ۱۰ مشهد گفت: ۱۳۴۶۰ متر مربع از معابر منطقه بر اساس اولویت و حجم ترافیک از ابتدای امسال آسفالت شد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه ۱۰، احمد حافظ با اشاره به اینکه طرح بهسازی و اصلاح آسفالت معابر و خیابان های منطقه از مهم ترین اولویت های مدیریت شهری است و با جدیت دنبال می شود، افزود: در این پروژه خیابان های اصلی و فرعی انتهایی امام دوست و شریعتی، شهید رفیعی، یوسفیه، بولوارهای حجاب، ادیب و استاد یوسفی و محور کندروی بزرگراه آزادی بازسازی می شود.

وی تصریح کرد: در این راستا خاکبرداری، آسفالت شکافی و پی کتی ۱۵۶۹۸ متر مکعب از معابر امسال اجرایی شد.

وی ادامه داد: ۳۱۹۰۵ متر مربع از معابر منطقه در طرح ترمیم و بهسازی خیابان های اصلی و فرعی، آسفالت، روکش و لکه گیری شد.

شهردار منطقه ۱۰ خاطر نشان کرد: زیرسازی و کنده کاری معابر با هدف اجرای اصولی و افزایش طول عمر و ماندگاری پروژه در مترازی بالغ بر ۹ هزار متر مربع به مرحله اجرا درآمد. ■

آخرین خبر



۱۱

**لزوم توسعه فرهنگ نماز**

نشست مشترک دبیر ستاد اقامه نماز خراسان رضوی با شهردار منطقه ۱۰ در محل دفتر شهردار منطقه برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، در این نشست دبیر ستاد اقامه نماز خراسان رضوی با اشاره به بهره‌گیری از ظرفیت‌های مثبت منطقه، گفت: توسعه فرهنگ نماز با اجرای برنامه‌های آموزشی مدون در منطقه امری ضروری است. حجت‌الاسلام امرا... سبحانی نیا اظهار کرد: در مراکز فرهنگی و فرهنگ‌سراهای منطقه این امکان وجود دارد که آموزش‌هایی در راستای نماز و خانواده، نماز و کودک و نماز و نوجوان ارائه شود. وی ادامه داد: نماینده انجمن جماعات در شورای اجتماعی محللات، می‌تواند با برنامه‌ریزی در راستای توسعه فرهنگ نماز با ارائه ایده‌های جذاب گام بردارد. وی با بیان اینکه تلاش ما این است تا از فضا سازی معنوی و ترویج گفتمان دینی در خانه و جامعه غافل نباشیم، بیان کرد: این آمادگی را داریم تا برای کارکنان شهرداری منطقه ۱۰ به صورت غیر حضوری مسابقه‌ای با موضوع‌های نماز تدارک ببینیم و در پایان به برندگان جوایزی اهدا کنیم.



۱۲

**تعیین تکلیف زمین معراج شهدا**

جلسه اجرایی منطقه ۱۰ مشهد با حضور معاون اجرایی و مسئولان منطقه و با دستورکار اعلام شده در محل اتاق جلسات برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، دستورکار این جلسه تعیین تکلیف مالکیت زمین معراج شهدا با نظارت اداره املاک منطقه و نصب تابلو فرهنگ‌سرای شهدا در محل معراج شهدا از سوی اداره فرهنگی و اجتماعی منطقه بود. همچنین مقرر شد تا حوزه ترافیک منطقه با هماهنگی مدیریت سامان‌دهی بزرگراه آزادی در اسرع وقت به انجام مکاتبات لازم در راستای عقب‌نشینی املاک حاشیه بزرگراه آزادی اقدام کند. افزون بر این در این نشست تعیین تکلیف مالکیت زمین خیابان استاد یوسفی و در صورت امکان اعمال ماده ۱۱۰ و تغییر کاربری به پارکینگ بررسی شد. بررسی طرح‌های مصوب شورای اجتماعی محللات، تعیین تکلیف نمازخانه بوستان نیلوفر آبی و هماهنگی با مسکن و شهرسازی در راستای تحویل زمین‌های فضای سبز از دیگر مصوبات این نشست بود.



۱۳

**اعمال قانون پرونده‌های شهرسازی**

معاون شهرسازی و معماری شهرداری مشهد گفت: روند صدور پروانه و رسیدگی به مطالبات مردم و پرونده‌های شهرسازی تسریع یابد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی شهرداری مشهد، محمدرضا حسین‌نژاد در دیدار با شهردار منطقه ۱۰ مشهد درباره پرونده‌های کلان شهرسازی و تسریع در پاسخ‌گویی به شهروندان خاطرنشان کرد: نیاز است تا نقاطی که برای آن‌ها، طرح‌های خازنی در نظر گرفته شده، با اولویت در دست اجرا قرار گیرد. وی اعمال قانون و پیگیری پرونده‌های شهرسازی را مطابق ضوابط امری ضروری بیان کرد. همچنین احمد حافظ، شهردار منطقه ۱۰، ضمن قدردانی بیان کرد: این دیدار فرصت مغتنمی است تا پرونده‌های شاخص و برجسته منطقه رسیدگی و جمع‌بندی شود. وی تعیین تکلیف اراضی بایر منطقه را مهم ارزیابی و خاطرنشان کرد: در ابتدای بولوارهای امامیه، حجاب و اندیشه‌اراضی بلا تکلیف، افزون بر نبود پیاسازی و بهسازی محیط، در آلودگی هوا، دپوی زباله، ضایعات و نخاله‌های ساختمانی و تجمع حشرات تأثیر خوبی دارند.

**حرف مردم**

این ستون به حرف مردم و پیامهای ساکنان منطقه اختصاص دارد. شهروندان می‌توانند مشکلات محله خود را با شماره‌های ۳۷۲۸۸۸۸۱ و پیامک ۳۰۰۷۲۸۹ یا مادر میان بگذارند تا آن‌را به گوش مسئولان برسانیم.

**مرمت آسفالت**

شهروند: آسفالت بولوار رفیعی ۵ مقابل پلاک ۱۵ تخریب شده است درخواست مرمت آسفالت را داریم.  
جوابیه ۱۳۷: در پی درخواست این شهروند گرامی، آسفالت در محل مورد نظر مرمت شد.

**کشایش معبر**

شهروند: پروژه شهرداری در خیابان نهضت، انتهای ۵، پشت ایستگاه اتوبوس در حال اجراء است و حفاری مربوط به پروژه سبب شده است تردد برای اهالی غیرممکن شود بنابراین درخواست داریم برای تردد اهالی پلی به صورت موقت احداث شود.  
جوابیه ۱۳۷: با توجه به الزام وجود مسیر فرعی برای انجام پروژه میدان نمایشگاه، عملیات زیرسازی آسفالت به سرعت در حال انجام است، ضمن اینکه امکان تردد برای اهالی مهیاست.

**روشنایی**

صاحب: روشنایی بوستان در معاد ۳، بوستان سرو قطع است و درخواست رفع نقص داریم.  
جوابیه ۱۳۷: در پی تماس این شهروند گرامی با مرکز ارتباطات مردمی شهرداری مشهد، بلافاصله از سوی عوامل اجرایی منطقه ۱۰ از محل بازدید و روشنایی بوستان سرو دوباره متصل شد.



**مردم**

ایستگاه استقبال از زائران پیاده محور قوچان آماده پذیرایی از زائران پیاده رضوی است

۱۴

دریافتی